# (نماز جمعه) ـ تربیت ـ شخصیت ـ محاسبه نفس ـ امام خمینی ـ تهاجم فرهنگی ـ روحانیت ـ سلمان رشدی

**فهرست مطالب**

[خطبه اول 2](#_Toc422041518)

[تربیت اسلامی 2](#_Toc422041519)

[عوامل شکل‌دهنده شخصیت 2](#_Toc422041520)

[عوامل درونی 2](#_Toc422041521)

[عوامل بیرونی 3](#_Toc422041522)

[نظر روایات در این زمینه 4](#_Toc422041523)

[دیدگاه اولیاء در این زمینه 4](#_Toc422041524)

[محاسبه نفس 4](#_Toc422041525)

[شیطان همیشه در کمین 5](#_Toc422041526)

[خطبه دوم 6](#_Toc422041527)

[مرور کوتاهی بر پیام‌های امام 6](#_Toc422041528)

[1- پیام امام به رهبر شوروی گورباچف 6](#_Toc422041529)

[حزب کمونیسم و مارکسیسم 7](#_Toc422041530)

[درایت امام 7](#_Toc422041531)

[2- آمادگی روحانیت برای دفاع در برابر هرگونه تهاجم فرهنگی 8](#_Toc422041532)

[3- آیات شیطانی سلمان رشدی 8](#_Toc422041533)

بسم الله الرحمن الرحیم

# خطبه اول

بسم الله الرحمن الرحیم. الحمدلله و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبینا العبد الموید و الرسول المسدد البشیر النذیر و السراج المنیر اباالقاسم محمد؛ و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین المکرمین. عباد الله اوصیکم بالتقوی الله و اطاعة اوامره و اجتناب مَعاصیه.

عرض سلام و تبریک خدمت نمازگزاران عزیز بابت نیمه شعبان تولد امام زمان (عج) و با آرزوی تعجیل در فرج امام زمان همه را به تقوا و پرهیز از معصیت و ترس از مقام منیع خدا و حساب آخرت و توجه به عوالم پس از مرگ توصیه می‌کنم.

## تربیت اسلامی

کودک و جوان را باید آماده شخصیت اسلامی‌کرد و به او روحیه اسلامی داد و او را چنان تربیت کرد که رهروان راه خدا بیان کردند. تمام سعی‌مان باید این باشد که نسل آینده را نسل سالم و صالح پرورش دهیم. این هدفی و آرمانی است که اسلام به کانون خانواده داده. دادن الگوی صحیح، عمل نیک بزرگ‌ترها، دادن آزادی معقول به نوجوان و جوان، به کار بردن روش‌های تشویقی و ...

## عوامل شکل‌دهنده شخصیت

ببینیم تربیت اسلامی بر چه ارکانی استوار است و اسلام چه راه و فرمولی را مشخص کرده که چه خود ما و چه نسل آینده آن را به کار بگیریم. چه در راه خیر و چه در راه شر، چه در فضائل و چه رذایل، چه در مسیر صالح شدن و چه باطل شدن، روح و روان ما برای اینکه در هر یکی از این دو جهت قرار بگیرد دو عامل بیرونی و درونی به کمک هم شخصیت ما را شکل می‌دهند.

### عوامل درونی

در وجود انسان دو گرایش درونی و روانی هست، یک گرایش فطری و پاک که به سوی خیر و کمال متوجه است و جذب خیرها و فضائل اخلاقی می‌شود و یک انگیزه دیگر بُعد رذایل اخلاقی است. این دو حالت روانی در درون انسان است. البته اینکه آن شر چگونه در درون انسان هست و چگونه در مقابل آن خیر اصالت دارد یا خیر، ضرورت طرح ندارد. اگر انسان در درون خود توجه کند می‌بیند که این دو انگیزه در او وجود دارد. البته شرایط و زمان فرق می‌کند، گاهی شرایط و زمینه‌های خاصی وجود دارد که گرایش به معنویت و فضایل برجستگی دارد. بعضی حالات هم هست که انسان گرایش به معصیت و راه شر در خود احساس می‌کند؛ بنابراین این حقیقت واضح است که نجدین، دو راه در درون ما قرار داده شده تا آزموده شود.

### عوامل بیرونی

در کنار این دو راهی که در درون ما هست، دو عامل از بیرون وجود دارد. به موازاتی حالات درونی که جذبه به خیر می‌شود یک علل بیرونی هست که به کمک عامل درونی می‌آید که انسان را به سمت خیر سوق می‌دهد. محیط، زمینه‌های اجتماعی، خانواده، مکتب‌ها و مذهب‌ها، دستورات الهی و ... عوامل خارجی هدایت بشر هستند؛ و به موازات راه شری که در وجود انسان هست علل و عواملی هست بیرونی که در بعضی انسان این جنبه شر و رذایل را به طرف ساختن انسان ناصالح سوق می‌دهد. وقتی دقت کنیم می‌بینیم دو عامل بیرون و درون که در نهاد انسان وجود دارد به‌تنهایی شکوفا نمی‌شوند. باید در مسیری بیفتد تا رشد و ترقی کند. از آن طرف عللی بیرونی که انسان را به سمت خیر و شر سوق می‌دهد به‌تنهایی هیچ‌کاره هستند. کار علل بیرونی این است که عوامل درونی را به سمت خود جذب کنند و به هدفی که می‌خواهند بکشانند. محیط خوب، رفیق خوب، خانواده خوب، مکتب الهی و دین و ائمه و انبیاء یک خط بیرونی است که راه بشر را که درون انسان زمینه دارد شکوفا می‌کند؛ یعنی در روح ما زمینه هدایت وجود دارد. این علل بیرونی به کمک فطرت پاک می‌آیند و او را به طرف خیر می‌برند. در مسیر شر هم همین‌طور است. شیطان، محیط بد، زمینه‌های ناشایسته بیرونی کمک‌هایی هستند که انسان را به سمت شر ببرند؛ و هردو راه باز است و در انسان تحقق دارد. علل درونی و بیرونی را خود خدا گذاشته و این ما هستیم که در کشاکش علل بیرونی و درونی، بین جذبه‌های شایسته و صاعقه‌های ناشایسته هستیم. تا زمانی که عزرائیل برای قبض روح می‌آید این دو با ما هستند؛ و هیچ‌گاه ما از این جنگ شدید در درون و بیرونمان آزاد نخواهیم شد و گمان اینکه با تربیت خوب روزی آزاد خواهیم شد، به‌گونه‌ای که دیگر مواظبت و توجه نمی‌خواهد گمان باطلی است. مگر کسانی که جزو مخلصین هستند.

## نظر روایات در این زمینه

وقتی به آیات و روایات مراجعه می‌کنیم می‌بینیم این نکته عمیقاً مدنظر است. اگر به سراغ روایات برویم تهذیب نفس، مراقبت از نفس، محاسبه نفس و وضع درونی نفس و ... همه به‌خوبی این حقیقت را نشان می‌دهد که اسلام شدیداً معتقد است که انسان یک لحظه از کشاکش ضلالت و معنویت آزاد نیست. گاهی رفتن در یک مسیر خطرات را زیادتر می‌کند، مثل نردبانی که هرچه بالاتر بروی خطرات زیادتر می‌شود. همان انسان‌های عظیم که مراحل فراوانی از مدارج معنویت و تهذیب نفس را طی کردند از این وسوسه‌ها دور نیستند و برای ما ضرورت دارد که آماده برای این کشاکش باشیم.

## دیدگاه اولیاء در این زمینه

وقتی به اولیاء خدا مراجعه کنید می‌بینید که آن‌ها هم درگیر بودند. خدا به پیغمبر می‌فرماید: به خدا پناه ببر از وسوسه‌ها، از اهریمن‌های درونی.[[1]](#footnote-1) به شخص پیامبر می‌فرماید: تویی که انسان کامل هستی و خلقت تمام عالم به یمن وجود توست و در صدر خلقت آفرینش هستی، تو باید به خدا پناه ببری از وسواس خناس، از شیطان‌ها. پس تکلیف ما چیست. این اساس تفکری است که تعالیم اسلام بر این مبتنی است.

### محاسبه نفس

**«لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ»[[2]](#footnote-2)**؛ کسی که روزی یک بار خودش را محاسبه نکند از ما نیست؛ و سرّ روایاتی که در معرفت نفس آمده و در حضور این جنگ درونی آمده همین است. باید این را بدانیم که در درون تو جنگی برپاست و شیطان و رحمان در درونت هستند. مبادا غافل باشید که اندکی غفلت به تباهی می‌کشاند. نفس یک موجود ناچیز نیست، در درون انسان عوالم پیچیده زیاد دارد. باید حضور داشته باشیم و احساس نکنیم که کار تمام شده. اگر احساس عجب کنیم کارمان ساخته است. اینکه می‌گویند باید عُجب داشت نه به این معنا که خود را کوچک گرفت، تظاهر به کوچکی نیست. این جنگ درونی را باید جدی گرفت که تا آخر عمر ادامه دارد. تغییر مسیری که آدم‌های بسیار خوب در آخرین لحظات است و ناگهان به آخر صف باطل می‌روند. یا بالعکس که هردو در تاریخ نمونه دارد. آدم‌هایی بودند که تا لحظه آخر در صف حق بودند اما با کمترین لغزش سقوط کردند؛ و انسان‌هایی هم بودند که تا آخرین لحظه در باطل حضور داشتند اما با یک تنبه و جهش درونی، به صف حق آمدند و راه خیر و فضیلت را کمال انتخاب کردند.

پس این نزاع درونی برپاست و هوشیاری نفس و حضور در خود. معمولاً ما در خودمان نیستیم و در بیرون از خودمان هستیم. حتی وقتی که نماز می‌خوانیم، قرآن می‌خوانیم، کار خیر می‌کنیم بر خودمان وجود نداریم. حاضر در این وجود خودمان نیستیم، غفلت زده‌ایم. دل و روحمان در مادیات سیر می‌کند.

یکی از کارهایی که ابتدای روز، ابتدای ماه، ابتدای سال باید کرد درون‌نگری است. انسانی که حال ندارد خودش را بازبینی کند خاسر است؛ و روزی می‌رسد که فریاد سر می‌دهند بربندید محمل‌ها، باید رفت. همیشه باید در این معرکه‌ای که در درونمان هست حاضر باشیم و راه کمال نهایی را انتخاب کنیم. کار مشکل و دشواری است. مراقبت از نفس برای همین است. یکی از اساتید حوزه نقل می‌کرد: زمان احتضار آیت‌الله طباطبایی در کنارشان بودم، در آخرین لحظات از ایشان سؤال کردم برای ما چه سفارش و دستوری دارید؟ فرمود: محاسبه و مراقبه.

### شیطان همیشه در کمین

اگر این مراقبه برنامه زندگی ما نباشد غفلت ما را خواهد برد، طوفان‌های اهریمنی ما را به شیطان سوق خواهد داد، حتی در قالب خیر، دین ما را فریب خواهد داد. این جنگ را باید احساس کرد و در اینجا راه محاسبه در این معرکه است و احساس آرامش نکردن. اگر در این جنگ درون، فطرت و عوامل درونی ما باخت همه چیز تمام است. پشتوانه جنگ و مبارزه ما باید خودسازی باشد به‌عنوان منبع الهام‌بخش راه و روش و شیوه زندگی. این نکته را در نظر داشته باشید و در راه زندگی فرزندانمان هم قرار دهیم تا حس کنند که همواره باید خودشان را بسازند. این اصل مهم در تربیت اسلامی است.

از خدا می‌خواهیم در جمعه اول سال که با ولادت امام زمان همراه بود هرچه بیشتر در این مسیر موفق باشیم. جالب است که در روایت آمده اعمال شما بر امام زمانتان عرضه می‌شود. ما باید اعمال و افکار و همه وجودمان مراقب باشیم که این‌ها بر امام زمان عرضه می‌شود.

امیدواریم که خدا به همه ما خودسازی و تهذیب نفس عنایت بفرماید.

# خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحیم

همه عزیزان را به پرهیز از معصیت و توجه به او و زنده نگه‌داشتن یاد او در دل و روحمان و برگرفتن توشه تقوا برای آخرت و توجه به عالم غیب دعوت می‌کنم.

ما در این سفر به سوی آخرت بیش از هر چیز به تقوای راستین خدا نیازمندیم و نماز جمعه و خانه خدا کانونی است که ما را باید به این سلاح مجهز کند؛ و امروز جامعه ما بیش از هر چیز نیاز به تقوا و گام زدن در این مسیر دارد. خدایا تو را به قداست امام زمان و اولیائت قسمت می‌دهیم که ما را توفیق تقوا و اطاعت خودت را عنایت بفرما.

میلاد مبارک نیمه شعبان را به همه عزیزان تبریک می‌گویم. تا جایی که یاد دارم بعد از قطعنامه بود که ما خطبه‌ای خواندم و مسائلی را که در آن زمان در جریان بود بیان کردم. آنچه به ذهنم می‌رسد این است که مروری بر این وقایع چند ماه داشته باشیم. آنچه ما بعد از جریان پذیرش قطعنامه داشتیم و حرکت‌هایی که کشور ما و امام عزیز داشته، به صورت فهرست‌وار عرض کنیم.

# مرور کوتاهی بر پیام‌های امام

## پیام امام به رهبر شوروی گورباچف

 شرایط بعد از پذیرفتن قطعنامه و شرایط جدید بازسازی کشور و حرکت دیپلماسی ما برای روابط بسیار مستحکم با همه کشورهای دنیا که بعد از قطعنامه شروع شد، این‌ها تصور غلطی را رایج کردند. دنیا گمان برد که ما با پذیرفتن قطعنامه از مواضع خودمان دست برداشتیم و دچار ضعف شدیم. البته این تصور غلطی بود. اگر ما بدون تعارف و با دید سالم سیاسی حقایق تاریخ معاصر را ملاحظه کنیم، به خوبی می‌یابیم که در تاریخ معاصر و با حاکمیت دو ابرقدرت شرق و غرب بعد از جنگ جهانی دوم استقلال در دنیا گوهر نایابی بوده است؛ و سیادت و استقلال ملت‌ها یک امر غیرمقدور بوده. کشور ما با همه دشواری‌ها جنگ را تحمل کرد و دشمن را شکست داد. البته این را هم کتمان نمی‌کنیم که به هرآنچه می‌خواستیم نرسیدیم؛ اما این را هم با تمام قدرت اظهار می‌کنیم که با انقلابمان به چیزی دست یافتیم که در دنیا نایاب است. در کشورهای اسلامی نایاب است همان‌گونه که حقایق اخیر این را نشان داد. ملت ما با غوطه‌ور شدن در اقیانوس عظیم خطرها و با سیر در اعماق خطرات این درّ استقلال و آزادی و تحفظ نظام اسلامی را به چنگ آورد؛ و زهی شرافت برای این امت و برای خاندان شهدا و نظام بزرگ الهی ما که این گهر نایاب را برای ملت حفظ کرد. در این شرایط که دنیا چنین احساسی را به ما داشت امام دست به یک حرکت تهاجمی دیپلماسی در دنیا زد و یک پیام را به رهبر شوروی فرستاد؛ یعنی همان نوع کاری که پیغمبر اکرم می‌کرد.

### حزب کمونیسم و مارکسیسم

 در کشور ما و کشورهای دیگر گروه‌هایی بودند با تفکر کمونیستی و مارکسیستی و البته این‌ها یک غده سرطانی بودند که با شعارهای انقلابی و با حرف‌های ظاهرپسند جوان‌های دنیا را فریب دادند. میزهایی تشکیل می‌دادند و بحث می‌کردند که ببینیم حرف چه کسی درست است. خیلی واضح بود که فلسفه و فرهنگ قوی ما همه حرف‌های آن‌ها را پاسخگو بود و ما بر این مطمئن بودیم. امام با حرکتی که در این پیامشان انجام دادند چنین مطلبی را به دنیا فهماندند که تمام احزاب مارکسیسم و کمونیسم در دنیا، شما بحث می‌کنید. ما با کانون اصلی و مکتب شما به محاجه پرداختیم؛ و رسماً امام اعلام کرد که حوزه ما و دانشمندان و فلاسفه بر سر اصول کمونیسم و مارکسیم و اثبات اصول اسلام و پایه‌ها و مبانی اصول اسلام به بحث بنشینند. این را به دنیا اعلام کردیم. اگر ما مکتب و فرهنگ غنی و استقلال بزرگ را نداشتیم هرگز نمی‌توانستیم این کار را کنیم. ما یک میزگرد در کل جهان شرق گذاشتیم و گفتیم بر سر اصول شما و اصول خودمان حاضر به بحث هستیم. معلوم است که همه نوچه‌های این‌ها در دنیا خلع سلاح می‌شوند و احساس می‌کنند که چیزی ندارند.

### درایت امام

 هنر امام این است که انگشت روی کانون اصلی می‌گذارند و او را به مبارزه دعوت می‌کند. این را هم بیان کرد که همان‌گونه که شما را بر سر اعتقادات ناب محمدی به بحث دعوت می‌کنیم شما را به آن نوع الوهیت که مسیحیت دارد دعوت نمی‌کنیم. امام با این پیام اولین ضربه را به دنیای استکبار وارد کرد و حضور دیپلماسی قوی ما ظهور پیدا کرد؛ و امام مارکسیسم را به‌عنوان مکتبی که به درد موزه‌های فرهنگی و تاریخی می‌خورد معرفی کردند.

نکته بعدی این‌که نشان داد جنگ عقیدتی و ارشاد مردم برای ما اصل است. ضمن این کار مردم این را حس کردند که نهاد بنیادین اصلی ما علیرغم همه تبلیغاتی که علیه ما شده تفکر خالص اسلامی است و ما بر این تفکر ایستادیم.

## آمادگی روحانیت برای دفاع در برابر هرگونه تهاجم فرهنگی

پیام دوم امام به روحانیون در تمام کشور بود. در این پیام امام حقایق تازه‌ای را بیان کردند و تفکر سالم و صحیح اسلامی را صریحاً به قلم کشیدند و بیان کردند. محور مهم پیام امام این بود که بانگ هشداردهنده‌ای بر سر روحانیت سر دادند که شما برای بر دوش کشیدن بار مبارزه و سنگینی راه آینده باید خود را آماده کنید. حوزه‌ها و روحانیت اسلام خودش را برای یک مبارزه طولانی تاریخی باید آماده کند؛ و همچنین قشر رفاه‌طلب و دنیا‌دوست را معرفی کردند و گوشزد کردند که شما نباید زمینه‌ای بدهید که افکاری که با انقلاب سازگاری ندارد؛ و افکاری که اعتقادشان این است که ما چه کار به دیگران داریم. آدم‌هایی که اعتقاد دارند امام زمان برخلاف ضروریات دین خودش می‌آید و همه چیز را حل می‌کند. گوشزد کرد که مبادا کسانی شما را با پوشش اسلام فریب دهند؛ و قشر رفاه‌طلبی که حاضر به تحمل هیچ سختی در راه اسلام نیست و حتی حاضر نیست پشتیبانی لفظی از جهاد اسلام کند نباید در میان ملت ما جایی داشته باشد. در شرایطی که نیروهای روحانیت با مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنند، دیگرانی که اعتقاد به اندیشه پاک اسلام ندارند نباید در میان ملت جا باز کنند. روحانیت اگر بخواهد حکومت دین و اسلام را در کشور خودش حفظ و به جاهای دیگر صادر کند باید قوی باشد. باید با اندیشه‌های نو، فلسفه‌های نو، فرهنگ جوان‌ها، مدیریت اجتماعی و ... آشنا شود. آشنایی با فرهنگ روز اولین رکن مبارزه با استکبار است. مگر می‌شود با آمریکا و فرهنگ الحادی شرق و غرب کنیم درحالی‌که نمی‌دانیم آن‌ها چه می‌گویند. اولین راه این است که بدانیم کمونیسم چه می‌گویند تا در مقابل آن‌ها حرف داشته باشیم. نوجوانی که به مدرسه می‌رود طبعاً سؤالاتی برایش ایجاد می‌شود. روحانیت باید پاسخگوی این نیاز فرهنگی باشد، ضمن اینکه با مدیریت اجتماعی مأنوس باشد.

## آیات شیطانی سلمان رشدی

 دنیای غرب حس کردند بعد از انقلاب کار تمام است، بعد فکر کردند با جنگ می‌توانند ما را از پای دربیاورند. بعد از قطعنامه هم همین فکر را کردند، مرحله‌به‌مرحله فکر می‌کردند که اسلام از صحنه بیرون رفت. وقتی امام پیامی به گورباچف دادند، این‌ها به فکر انتقام افتادند آن هم با نشر کتاب و آزادی قلم. کتابی سراسر فحش و ناسزا به نوامیس مکتبی که در تمام دنیا پیرو دارد. از هیچ کجای دنیا روی این مسئله اشکال یا اعتراضی وارد نکرد. تمام فقهای اسلام حکم به اعدام برای این فرد کردند اما هیچ‌کس جرأت این اعتراض را نداشت. ولی امام در جواب کار این فرد نوشت: نویسنده کتاب آیات شیطانی محکوم به اعدام است و بر هر مسلمانی واجب است هرکجا او را دید اعدام کند. با این حرف دنیا فهمید که می‌تواند تکان خورد و اعتراض کرد. رسول‌الله و نوامیسش از خود ما برای ما باارزش‌تر است. ما هرگز با این آزادی موافق نیستیم. ما اجازه نمی‌دهیم که آمریکا و انگلیس توطئه کنند، کتاب فحش چاپ کنند و کتاب سال شود، همه امکانات را برای توهین به نوامیس مسلمان روا بدارند.

1. **- سوره فلق، آیه 1.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **- الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏2، ص: 453.** [↑](#footnote-ref-2)